

بررسی رابطه الگوی حکمرانی متعالی و اقتدار ملی در جمهوری اسلامی ایران

بهادر زارعی (استادیار، جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران، ایران)

b.zarei@ut.ac.ir

سیدعباس احمدی (استادیار، جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران، ایران)

abbas_ahmadi@ut.ac.ir

زهرا پیشگاهی‌فرد (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

zfard@ut.ac.ir

محسن عابدی درجه (دانشجوی دکتری، جغرافیای سیاسی، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران)

abedi.mohsen.dor@ut.ac.ir

چکیده

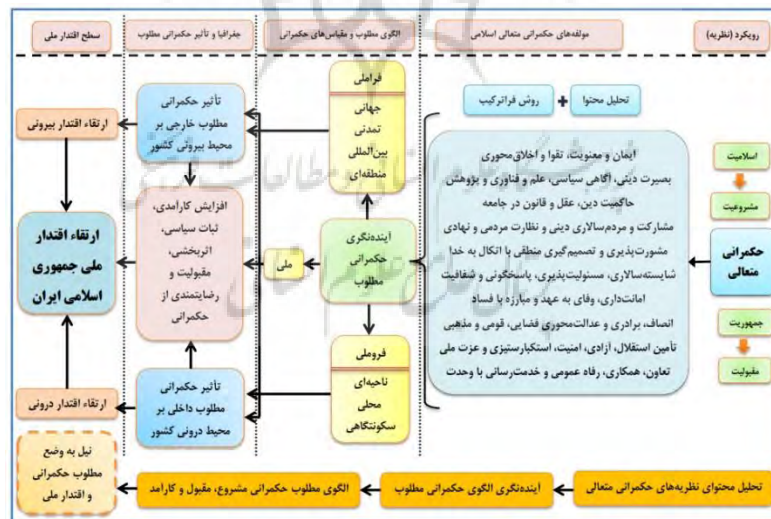
پژوهش حاضر حکمرانی متعالی را به‌عنوان الگوی برگزیده حکمرانی در حکومت‌های اسلامی معرفی کرده است. در همین راستا به بررسی رابطه حکمرانی متعالی و اقتدار ملی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. در عصر کنونی که نحوه اداره عالی امور، مدنظر حکمرانان و آحاد مردم در جهان است، الگویابی و انتخاب یک روش کارآمد متناسب با فطرت انسان‌ها جهت تأمین نیازهای ضروری زندگی آنها ضروری است. با توجه به پیشرفت فناوری و لزوم تأمین مایحتاج جوامع و همچنین هدایت و سعادت افراد جامعه در جهت سیر تکاملی بشر، حکمرانی شایسته امری اجتناب‌ناپذیر است. از همین رو، گزینش شیوه‌ای از حکمرانی با دارا بودن مشروعیت الهی و مقبولیت و نصرت مردمی به‌صورت توانمند، خواست همه ملت‌هاست. در این تحقیق کیفی آمیخته با استفاده از روش‌های فراترکیب و تحلیل محتوا، به تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه پرداخته و یافته‌ها و نتایج مطالعات دیگر تحلیل و تشریح شده است، تا دانش موجود را ارتقاء و دیدگاه جامع و گسترده‌ای را نسبت به این موضوع فراهم کند. سپس با احصاء مولفه‌های حکمرانی متعالی، نحوه تأثیر آنها بر کارایی، اثربخشی و کارآمدی حکومت و نیز مقبولیت و رضایتمندی عمومی بررسی گردیده است. براساس نتایج حاصله، در صورت اجرای حکمرانی متعالی در مقیاس‌های گوناگون جغرافیایی با مولفه‌های بدست آمده، ارتقاء اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران در دو چهره بیرونی و درونی امری حتمی و غیرقابل انکار است. کلید واژگان: حکمرانی، حکمرانی متعالی، اقتدار ملی، مشروعیت، کارآمدی

مقدمه

پدیده حکمرانی، موضوعی است میان‌رشته‌ای بین شاخه‌هایی از حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و علوم سیاسی (Meehan, 2003: 2). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (Midari & kheirhahan, 2004: 258). ساز و کاری که بتواند توانایی‌ها و ایده‌های بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی را هم‌افزایی کند و در تعیین هدف، تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌ها در سطح ملی و محلی مشارکت فعال داشته باشد. این فرآیند متکی بر دموکراسی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، اثربخشی، کارآمدی، مشارکت و خودگردانی است. به نظر می‌رسد که این فرآیند متکی بر مقیاس محلی و خرد است که در صورت برقراری رابطه افقی قدرت با سایر سطوح محلی و ناحیه‌ای، می‌تواند به سطح ملی برسد (Veisi, 2013: 98). از لحاظ تاریخی، مفهوم حکمرانی به اندازه تمدن بشری قدمت دارد و بسته به سطح آن (ملی، منطقه‌ای و محلی) مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی را در بر می‌گیرد که بر جریان تصمیم‌گیری تأثیرگذارند (Sahraei & Mahmoudinia, 2018: 2). از سوی دیگر، حکومت‌ها برای اینکه بتوانند در داخل کشور به اجرای قوانین پرداخته و در خارج از کشور از حقوق جامعه دفاع کنند، نیازمند اقتداری هستند که از تعامل رفتارهای دولتمردان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی ایجاد می‌شود (Babaei-Talatpeh, 2005: 10). بنابراین، اقتدار به معنای قدرت مشروع و قانونی است. این واژه در اصطلاحات سیاسی معاصر به معنای اعمال قدرت از سوی دولت و حکومت‌ها برای دستیابی به اهداف مشخصی است که به عنوان وظایف و مسئولیت‌های دولت از سوی قانون‌گذاران تبیین و وضع شده است (Ziaei & et. al, 2009: 86). بنابراین، هر نظام سیاسی، ناگزیر از تحکیم اقتدار ملی خود است و آن را از نیازهای اولیه، مهم و اساسی خود می‌داند، اما کشورها به تحکیم اقتدار ملی بسنده نمی‌کنند و افزون بر تحکیم، توسعه این اقتدار را نیز سرلوحه هدف‌های خود دارند. برای نیل به این هدف، هر کشوری متناسب با توانایی‌ها، منابع و ویژگی‌های خاص خود، راهبردهایی را در پیش می‌گیرد (Khorramshad & Alipouri, 2015: 180). بر همین اساس، مسأله و سؤال تحقیق این است که اساساً الگوی مفید و مناسب برای حکمرانی شایسته در جمهوری اسلامی ایران به منظور ارتقاء اقتدار ملی این کشور چه رویکردی است؟ و بر مبنای این دغدغه، فرضیه‌ای برای انجام تحقیق تدوین شده و آن عبارت است از این که به نظر می‌رسد الگوی اسلامی-ایرانی حکمرانی متعالی برآمده از مبانی اسلامی و باورهای ملی در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند سبب‌ساز ارتقاء اقتدار ملی این کشور شود.

روش پژوهش

مقاله حاضر، به دلیل الگویابی، جزء پژوهش‌های بنیادی است که با آمیخته نمودن روش‌های کیفی به سبک فراترکیب، به دنبال کشف و الگویابی حکمرانی شایسته به منظور ارتقاء اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. «فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. فراترکیب با فراهم کردن نگرش نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف به کشف موضوعات و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و با این روش، دانش فعلی را ارتقاء می‌دهد و دید جامع و گسترده‌ای را در زمینه مسائل به وجود می‌آورد. فراترکیب، تحلیل یافته‌های یک پژوهش است. به عبارت دیگر، ترکیب و تفسیر تفاسیر داده‌های اصلی مطالعات منتخب است. فراترکیب بر مطالعات کیفی که لزوماً مبانی نظری وسیعی را شامل نمی‌شود، تمرکز دارد و به جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، ترکیب تفسیری از یافته‌ها تولید می‌کند. فراترکیب مستلزم این است که پژوهشگر بازنگری دقیق و عمیقی انجام دهد و یافته‌های پژوهش کیفی مرتبط را ترکیب کند. فراترکیب مانند نگرش نظام‌مند، نتیجه‌ای را حاصل می‌کند که از مجموع بخش‌های بزرگ‌تر است» (Zimmer, 2006:311-317; Komijani & et. al, 2019: 230). هدف اصلی فراترکیب، ارائه یافته‌هایی است که مفاهیم و بینش عمیق‌تری را تولید کنند، زیرا پژوهش‌های متعدد و موردی به دلیل حرکت در چهارچوب‌های ساختاری و رشته‌ای، قادر به ارائه چنین بینشی نیستند و نمی‌توانند چنین بینش عمیق و کاربردی را ارائه کنند (Zimmer, 2006:311-317; Kamali, 2017: 726).



شکل ۱. مدل تحلیلی تحقیق؛ منبع: نگارندگان

در همین راستا، به روش آمیخته کیفی شامل فراترکیب و تحلیل محتوا، به تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه نظریه پردازان حوزه مطالعاتی حکمرانی متعالی و اقتدار ملی نظیر امامین انقلاب، علامه طباطبایی، شهید مطهری، جوادی آملی، مصباح یزدی و برخی از اساتید دانشگاهی نظیر افتخاری، پورعزت، میدری، ناظمی، نصرت پناه، بخشی و مجتهدزاده پرداخته شده است. سپس یافته‌ها و نتایج مطالعات تحلیل و مولفه‌های حکمرانی متعالی و اقتدار ملی از آنها احصاء گردید، تا دانش موجود را ارتقاء و دیدگاه جامع و گسترده‌ای را نسبت به موضوع پژوهش فراهم کند. گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و ابزار آن فیش برداری می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

الگو

الگو به معنای طرح و نمونه (Moein, 2008: 152)، سرمشق، مُقتدی، اُسوه، قدوه، مثال و نمونه می‌باشد (Dehkhoda, 2009: 255). اُسوه یعنی پیشوا، مُقتدا، خصلتی که شخص بدان لایق مُقتدایی می‌گردد (Moein, 2008: 130). الگو، معادل کلمه مدل Model در زبان انگلیسی است. «یک مدل، یک الگو، طرح، معرفی (به‌ویژه کوتاه)، یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است» (Mir Moezi, 2010: 63). در واقع الگو را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد، دکترین، سرمشق‌ها، راهبردهای کلی، نمونه‌ها، مدل‌ها، رویه‌ها و مواردی شبیه به این دانست که پیش‌نیاز انجام فعالیت‌های جزئی و کلی و برای کارهایی که قرار است با برنامه‌ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت کند و بخواهد به اهداف پیش‌بینی شده دست یابد، تعریف کرد (Mokhtarianpoor, 2016: 12).

حکمرانی

فرهنگ فارسی معین در تعریف حکمران و حکمفرما واژگان مترادفی نظیر «حاکم، والی، فرمانروا، حکمران» را آورده است (Moein, 2008: 416). واژه حکمرانی یکی از کهن‌ترین و جدیدترین واژه‌ها در مطالعه علم سیاست است (Hadavand, 2005: 52؛ Abolhassani, 2012: 8-9). این واژه در فرهنگ واژگان آکسفورد هم‌معنای Government (حکومت) است. حکمرانی، عمل یا شیوه حکومت‌کردن، مقام یا کارکرد حکومت‌کردن است (Kaier, 2007: 3). معنی حکمرانی، هدایت کردن و راهنمایی کردن و یا چیزها را در کنار هم نگهداشتن است (Akbari, 2007: 149). حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، راهبری و حکمرانی تعریف شده است (Haghshenas, et al., 2000: 689). همچنین به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (Zahiri, 2018: 46؛ Johnson, 1997: 9). حکمرانی در فرهنگ آکسفورد به

معنی فعالیت مدیریت یک کشور یا کنترل یک شرکت یا سازمان آمده است؛ روشی که به وسیله آن یک کشور اداره می‌شود یا یک شرکت و یا مؤسسه کنترل (نظارت) می‌گردد» (Zahedi & Gholipour, 2005: 112). حکمروایی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. در واقع این اصطلاح «رابطه» و نه «دستگاه» را توصیف می‌کند (Astleithner & Hamedinger, 2003). در واقع سه اصطلاح پاسخگویی و حساب‌پس‌دهی، مشروعیت و شفافیت، محور بسیاری از تعاریف حکمرانی محسوب می‌شود (Poor ezzat, 2017: 18-19). «حکمرانی به فرآیندها و نهادهایی اطلاق می‌گردد که از طریق آنها تصمیمات اتخاذ می‌شود و اقتدار در یک کشور اعمال می‌گردد» (World Bank, 1989: 3). زارعی به نقل از مک‌کیم و همکارانش می‌نویسد: «حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان مربوط می‌شود» (Zarei, 2020: 259-260). بنابراین، حکمران بالضروره یعنی کسی که مطاعیت مشروع دارد، نه کسی که به زور خود را تحمیل کرده است، آن کسی که مطاعیت مشروع دارد به دو گونه ممکن است: یکی به نحو ولایت و دیگر به نحو وکالت. آنچه در فقه مطرح است به‌عنوان ولایت حاکم مطرح است (Motahari Martyr, 2017: 114).

اقتدار

اقتدار به معنای قدرت، توانایی و قوت می‌باشد (Dekhoda, 1998: 313). واژه اقتدار در زبان فارسی به (قدرت یافتن، قدرت داشتن، توانا شدن و توانایی) معنا می‌شود. همچنین ابن‌منظور می‌نویسد: «در زبان عربی، اقتدار از ماده قدر، مشتق شده و معنای آن «القوه» بیان می‌شود». واژه اقتدار در فرهنگ لغات آکسفورد، (حق یا قدرت فرمان دادن و به تمکین در آوردن دیگران) معنا شده است. به عبارت دیگر، اقتدار شکلی کارآمد از نظم اجتماع و سیاسی می‌باشد (Khorramshad & Alipouri, 2015: 192-193). واژه اقتدار در زبان فارسی به قدرت یافتن، قدرت داشتن، توانا شدن و توانایی معنا می‌شود (Larijani & Gholami-Abrestan: 68). بر این اساس، مفهوم اقتدار، بیشتر به نفوذ، سلطه، مرجعیت، حق، اختیار و اجازه و به ویژه مشروعیت مرتبط است (Root: 2007: 1). دژونل از اقتدار مراد می‌کند «همانا توانایی است که کسی برای قبولاندن پیشنهادش به دیگران دارد» (Quentin, 1992: 166). همچنین حکومت کردن به کمک اقتدار به مراتب با صرفه‌تر از حکومت کردن به وسیله اجبار است (Dahl, 1985: 71-72; Eftekhari, 2004: 258). مک‌آیور: «اقتدار را اغلب همان قدرت می‌دانند، قدرت فرمان به اطاعت». هربرت سیمون: «اقتدار، اختیار تصمیم‌گیری برای هدایت اقدامات دیگران است. اقتدار رابطه میان دو نفر است یکی فرادست و دیگری فرودست». رابرت دال: «قدرت مشروع را اغلب اقتدار می‌نامند». دایره‌المعارف علوم اجتماعی: «اقتدار توانایی ذاتی یا اکتسابی برای اعمال سلطه بر یک گروه است. اقتدار جلوه‌ای از قدرت است و بر اطاعت از آن دلالت دارد» (Alam, 2010: 101). اقتدار در حقیقت «قدرت رسمی و مشروع» است و

همین وجه مشروعیت، مقوله اقتدار را از مفاهیم مشابه خود همانند قدرت، زور، نفوذ، توانایی، فشار و غیره متمایز می‌کند (Akhavan Kazemi, 2007: 67).

اقتدار ملی

در معنی اصطلاحی، اقتدار ناظر بر «کارآمدی» است. تلفیق واژه «اقتدار» و «ملی» در معنی «کارآمدی دولت» و «کارآمدی نظام سیاسی در چهارچوبی مشروع و مقبول و در محیط ملی و عرصه بین‌المللی است». اقتدار مربوط به «قدرت نهادینه شده» می‌باشد. هر نظام سیاسی براساس ساختار درونی، بازیگران و نیروهای اجتماعی تأثیرگذار دارای شکل خاصی از اقتدار می‌باشد (Students of the seventh year of national security studies, 2011: 15). به دیگر سخن، اقتدار ملی برآیند و ماحصل قدرت‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، علمی و فناوری مشروع است (Jahantab, 2006: 26). اقتدار ملی به معنای مجموعه قدرت‌های برخاسته از ملت است که در دولت ملی تبلور می‌یابد، پایه‌های اقتدار ملی در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار دارد. هنگامی که از اقتدار ملی سخن می‌رود، منظور امری ذهنی یا مجرد نیست بلکه مقصود واقعیتی عینی، ملموس و قابل محاسبه است. دولت به عنوان نماد و برآیند قدرت ملت، محمل و تجلی‌گاه اصلی اقتدار ملی محسوب می‌شود (Akhavan Kazemi, 2007: 67- 68). (شکل ۲)



شکل ۲. نهادها و پایه‌های اقتدار ملی کشورها؛ منبع: نگارندگان

«اقتدار ملی» یک ملت، در دنیای «جهانی شدن‌های» قرن بیست و یکم، نمی‌تواند تابع تعاریف کلاسیک و بر پایه اقتدار نظامی یک ملت ارزیابی شود. شوروی پیشین یکی از مقتدرترین و مجهزترین نیروهای رزمی را در اختیار داشت، ولی بی‌بهره بودنش از اقتدار ملی متکی بر نظام حکومتی مردم سالارانه، نظام اداری پویا و اقتصاد ملی سالم، سبب سرنگون شدن آن ابرقدرت گردید. آنچه به عنوان «قدرت» در دنیای ژئوپلیتیک پُست مدرن قابل ارزیابی است، توان یک ملت در اعمال اراده ملی خود در درون و در ورای مرزهاست. اقتدار ملی در اتکا به یک نظام حکومتی مردم‌سالارانه، توأم با اقتصادی پیشرفته، نیروی دفاعی ورزیده و مجهز که بتواند موازنه‌های لازم منطقه‌ای را واقعیت دهد و در چشم‌اندازی از خواست‌های پسندیده ملی، منطقه‌ای و جهانی آن ملت پیگیری

کند، تحقق می‌بخشد. بدین ترتیب، اقتدار ملی را می‌توان در جمع آمدن اراده ملت نزد حکومت از راه انتقال قدرت رأی مردم به حکومت از طریق مکانیزم انتخابات برای اداره مقتدرانه سرزمین تعریف کرد. مفهوم دیگری که در تنگاتنگ این مفهوم خودنمایی دارد، مفهوم «حکومت اقتدار» است که در برابر اصطلاح انگلیسی «Authoritarianis» قرار می‌گیرد (Mojtahedzadeh, 2013: 87- 88). یکی از صاحب‌نظران، مولفه‌های اقتدار ملی را چنین برشمرده است: ۱- مشروعیت؛ ۲- مقبولیت؛ ۳- کارآمدی؛ ۴- پاسخگویی (Akhavan Kazemi, 2007: 68). در مجموع عناصر تشکیل‌دهنده اقتدار ملی را در قالب مولفه‌های مشروعیت الهی، ایدئولوژی، عزت و اراده ملی، رضایتمندی و مقبولیت مردمی، کارآمدی نظام سیاسی، پاسخگویی دولتمردان، بنیه نظامی قوی، نظام اداری پویا، نظام حکومتی مردم‌سالارانه، اقتصاد ملی سالم و مقاوم، قدرت علمی و فناورانه، مشارکت عمومی در قالب مکانیزم انتخابات و در نهایت پشتیبانی همگانی می‌توان احصاء نمود. (شکل ۳)



شکل ۳. مولفه‌ها و عناصر اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران: منبع: نگارندگان

نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی

انسان برای انجام فعالیت نیازمند علوم ادراکاتی است که اراده او را به سوی عمل و فعالیت برانگیزاند. این گونه ادراکات را که برای رفع نیاز و رسیدن به کمال و منفعت استفاده می‌شود «علوم عملی» یا «ادراکات اعتباری» می‌خوانند. این ادراکات توسط قوای فعاله انسان مورد استفاده قرار گرفته و در نتیجه انسان نسبت «باید» را میان خود و آن ادراکات قرار می‌دهد (Tabatabai, 1985, Vol.2: 193). علوم حقیقی اصطلاحاً در مقابل علوم اعتباری گفته می‌شود و علوم اعتباری همان‌هاست که سابقین «علوم عملی» می‌نامیدند. علوم عملی شامل اخلاق،

تدبیر منزل و سیاست مُدن بوده است (Tabatabai, 2002: 44). مسلمین آنگاه که می‌خواستند تقسیم ارسطویی را درباره علوم بیان کنند کلمه «فلسفه» یا کلمه «حکمت» را به کار می‌بردند، می‌گفتند: فلسفه (یعنی علم عقلی) بر دو قسم است: نظری و عملی. «فلسفه نظری» آن است که درباره اشیاء آنچنان که هستند بحث می‌کند، و «فلسفه عملی» آن است که درباره افعال انسان آنچنان که باید باشد، بحث می‌کند. فلسفه عملی نیز به نوبه خود تقسیم می‌شود به علم اخلاق، علم تدبیر منزل و علم سیاست مُدن (Motahari, 2004: 128- 129). نظام اعتباریات که مربوط به نشئه دنیاست و برای حرکت به سمت کمالات حقیقی است، قائم به یک نظام حقیقی و تکوینی است و انسان به ظاهر با یک نظام اعتباری زندگی می‌کند (Javadi Amoli, 2014: 118). بنابراین، در نظریه ادراکات اعتباری انسان‌ها بر مبنای ایدئولوژی و مکتب مورد گزینش خود قراردادها و جعل‌هایی را در حوزه سه علوم عقلی عملی نظیر اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدن (حکمت عملی) انجام می‌دهند تا بتوانند براساس این اعتباریات به کمال، هدایت و سعادت دست یابند.

نظریه حکمرانی متعالی در اسلام «اصل اعتباری ولایت فقیه»

اساساً فقیه عادل‌ی که جعل ولایتش از سوی امام معصوم علیه السلام صورت گرفته است، مجاز به اعمال ولایت است و همراهی مردم در این اعمال ولایت شرط نیست. بنابراین مردم در عصر غیبت، هیچ نقشی در مشروعیت‌بخشی به حکومت فقیه نه در اصل مشروعیت و نه در تعیین فرد و مصداق ندارند (MesbahYazdi, 2010: 73). بنابراین فرد صاحب ولایت، دیگر لزومی به کسب حمایت مردم نداشته و حق دارد تشکیل حکومت داده و اعمال ولایت نماید و حکومت وی نیز مشروع است (MesbahYazdi, 2010: 62). بنابراین حکمرانی ولایی مشروع از منظر امام خمینی علیه السلام سه شرط دارد که عبارتند از: ۱- زمامدار دو صلاحیت علم به قانون اسلام و عدالت را دارا باشد که ما این فرد را فقیه عادل اطلاق می‌کنیم. ۲- جعل ولایت برای این زمامدار، از سوی خداوند متعال و امامان معصوم صورت گرفته باشد؛ یعنی نصب او به ولایت بالقوه، انتصاب الهی باشد. ۳- خواص و نخبگان و همچنین عموم مردم، موافق و همراه و یاری‌رسان او باشند؛ یعنی در مرتبه ولایت بالفعل، نصرت مردمی داشته باشد. بنابراین از دیدگاه امام خمینی علیه السلام ، حکومت فقیه عادل، زمانی مشروعیت دارد که در مرتبه ولایت بالقوه انتصاب الهی داشته باشد و در مرتبه ولایت بالفعل دارای نصرت مردمی باشد. لازم به ذکر است که واژه «نصرت مردمی» با «مقبولیت مردمی» متفاوت می‌باشد (Movahedian & Eftekhari, 2019: 228-). بر مبنای نظریه ادراکات اعتباری و علوم نقلی شامل آیات و روایات شیعه، اصل اعتباری ولایت فقیه در حوزه سیاست مُدن حکمت عملی برای تشکیل حکمرانی اسلامی و انسجام بخشیدن جهت نیل به کمال دنیوی و اخروی و دستیابی به اقتدار در مقیاس‌های مختلف حکمرانی تحت حاکمیت جعل و اعتبار شده است.

بحث و یافته‌های پژوهش

الگویابی حکمرانی مطلوب در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

الگو تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل، البته قابل دست‌یافتن (جامعه مطلوب) دانست. الگو باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها و خطوط درشت و نقشه راه باشد (Mesbahimoghdam, 2010: 221). می‌توان گفت، تقریباً هر نظریه‌ای با تعدادی الگو شروع می‌شود که حوادث و روابط قابل‌فهم در یک دنیای واقعی را نشان می‌دهند (Ameli, 2018: 18). امام خامنه‌ای $\text{ع} \cdot \text{ا} \cdot \text{ع}$ نیز الگو را این‌چنین تعریف می‌کند: «الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای این که آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد با آن الگو تطبیق داده شود» (Vakili, 2013: 1125- 1136). در واقع، منظور از الگویابی، تفکر و تدبّر در منابع به همراه جستجو، کشف و یافتن الگو، سرمشق، روش، شیوه و رویه‌ای است که با مبنا قرار دادن آن بتوان آینده یک اقدام را از قبل ترسیم نمود و راهبردی تبیین و تشریح کرد تا با برنامه‌ریزی دقیق و صحیح عوامل اجرایی و نظارتی بتوانند بر مبنای اصول و قواعد اساسی این الگو خط‌مشی موردنظر را به درستی پیمایش کنند، تا در مسیر نیل به اهداف و آرمان‌های الگو انحرافی صورت نگیرد. به عبارت دیگر، الگو یک نقشه راه است که بایستی با غور در منابع و مآخذ مورد وثوق هر مکتبی، توسط خبرگان و اهل فن، مورد اکتشاف و استخراج قرار گیرد تا الگویی یافت شود، این فرآیند را الگویابی گویند (Abedi, Dorcheh B, 2019: 3). از سوی دیگر، مطلوب عبارت است از: «طلب کرده شده، جُسته شده، خواسته، آرزو شده، خوش‌آیند، دلپسند، محبوب و معشوق» (Moein, 2008: 1025). دولت مطلوب از نظر بُدن، دولتی است که پادشاه و حاکم آن، از قوانین طبیعت اطاعت کند (Enayat, 2005: 77؛ Alam, 1998: 139- 147). حکمرانی مطلوب حرکت از «وضعیت نامطلوب» به «وضعیت مطلوب» براساس «راهبرد ترسیم الگوی حکمرانی مطلوب» می‌باشد؛ این تغییر و دگرگونی بایستی در ویژگی‌های بنیادین حکمرانی در ابعاد و سطوح مختلف اجرا و نهادینه شود (Abedi, Dorcheh A, 2019: 128). حکمرانی مطلوب، فساد را به کمترین میزان می‌رساند، مشکلات افشار آسیب‌پذیر را در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌کند. همچنین حکمرانی مطلوب به نیازهای فعل و آینده جامعه اهمیت داده و آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. دریافت صحیح حکمرانی مطلوب مستلزم این است که اولاً: مفهوم حاکمیت در بستر این ایده تبیین شود؛ ثانیاً: شاخصه‌های آن مورد توجه قرار گیرد (Abbasi & Petoft, 2017: 48- 49). حکمرانی مطلوب از جمله اندیشه‌های خلاقانه و نوآورانه در عرصه اداره و راهبری سازمان‌ها و جوامع به‌شمار می‌رود که الگویی اثربخش و کارآمد در راستای حفظ و ارتقای سطح رفاه، آزادی، انتخاب و بهروزی نسل‌های معاصر و آینده و همچنین ظرفیت‌های تداوم‌بخش و پایدارساز حیات انسانی را نوید می‌دهد. به عبارت دیگر، حکمرانی مطلوب بر راهبری معطوف به تعالی انسانی و اجتماعی دلالت دارد و بر تعالی آینده و آیندگان معطوف می‌باشد از این‌رو، آینده مطلوب مستلزم حکمرانی مطلوب است و شکل‌گیری و تحقق حکمرانی مطلوب مستلزم «تصویرسازی و شکل‌بخشی آینده» است که خود

«ترکیب دانش و ارزش» را می‌طلبد و این امر مستلزم آینده‌پژوهی است و به آینده‌پژوهی نیز می‌انجامد (Komijani & et. al, 2019: 230).

مؤلفه‌های حکمرانی متعالی از منظر اندیشمندان مسلمان

این اصل که خدا تنها منبع ذاتی مشروعیت حکمرانی است یکی از پیش‌فرض‌های مهم فلسفه سیاسی اسلام است. مبتنی بر این اصل حق حکمرانی و امر و نهی کردن اصالتاً از آن خداوند متعال است. حق خداوند متعال در این زمینه ذاتی است و تعیین حاکم مخصوص خداوند متعال است؛ خدایی که همه هستی و جهان و از جمله انسان را آفریده و «مالک حقیقی» همه چیز است (Mesbah Yazdi, 2010: 18). از سوی دیگر، «ولایت» یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، که یک وظیفه سنگین و مهم است. به عبارت دیگر، «ولایت» یعنی حکومت و اجرا و اداره، «ولایت» فقیه از امور اعتباری عقلایی (که مردم برای اداره امور زندگی خود آن را وضع و جعل کرده‌اند) است و واقعیتی جز جعل ندارد؛ مانند جعل (قرار دادن و تعیین) قیّم برای صغار. دیگر از شئون رسول اکرم ﷺ و حضرت امیر ﷺ اخذ مالیات، خمس، زکات، جزیه، و اخراج اراضی خراجیه (سرزمین‌های آباد فتح شده به فرمان پیغمبر یا امام) است (Imam Khomeini, 2018: 51-52). بنابراین براساس نظریه تفکیک که تقریباً نظریه غالب در تفکر شیعی است، حاکمیت دینی، دارای دو مقام است: یکی مقام «جعل ولایت» که نقش‌آفرین آن خداوند متعال است و همو حق حاکمیت بر مردم را برای کسی جعل می‌کند و همین جاست که عنصر مشروعیت تمام می‌شود. اما تحقق یک نظام سیاسی، گذشته از مشروعیت، به اقتدار نیز نیازمند است. اینجاست که مقام دوم معنا می‌یابد. مقام دوم، مقام «تولی و تصدی امور» است که نقش‌آفرین آن مردمند و همانان زمینه به قدرت رسیدن «ولیّ دارای حق حاکمیت» را فراهم می‌سازند. همچنین براساس نظریه «شرط قدرت»، تولی و تحقق حاکمیت ولی‌الهی، متوقف بر «وجود اقتدار» و «امکان تحقق» است. هر چند بدون اقتدار، هم حق حاکمیت وجود دارد و هم جواز تصدی، اما امکان تشکیل حکومت و تداوم آن وجود نخواهد داشت. بنابراین، در مقام تولی و تصدی است که اتحاد اجتماعی نقش پیدا می‌کند. در حقیقت، تحقق و شکل‌گیری حکومت دینی، محصول پیوند مردم با ولی‌الهی است. در این پیوند دو سطح از اتحاد نیاز است: یکی اتحاد درونی ملت و دیگری اتحاد و هماهنگی آنان با ولی‌الهی. همچنین تداوم آن نیز محصول همین پیوند است (Pasandideh, 2007: 121-122). از دیدگاه امام خمینی ﷺ نصرت یک تکلیف شرعی برای مردم است و در صورت تخلف، عقوبت شرعی خواهند شد. بنابراین اختلاف نظریه مشروعیت «انتصاب الهی - نصرت مردمی» با نظریه مشروعیت «الهی مردمی» در بار معنایی متفاوتی است که بین دو واژه «نصرت مردمی» و «مقبولیت مردمی» وجود دارد که اولی معنای مکلف و موظف بودن مردم در یاری ولی را با خود دارد ولی در دومی، صرفاً بحث بر سر تمایل مردم به برقراری حکومت اسلامی و محبوب بودن ولی است (Mesbah Yazdi,)

53: 2001). بنابراین لزوم تحقق و عینیت بخشی حکمرانی در اسلام از دو جنبه پیگیری می شود. جنبه الهی و جنبه مردمی؛ در جنبه الهی آن مشروعیت (بالقوه بودن ولایت و حکمرانی)، انتصاب الهی (مرحله به فعلیت رسیدن آن) جهت ولایت بر مردم و جامعه مطرح می گردد و در حوزه انسانی آن مقبولیت اجتماعی (دوست داشتن حاکم و حکومت بالقوه وی) و نصرت و یاری مردمی (تلاش در جهت استقرار حکومت الهی و ولایی) جهت تحقق حکمرانی اسلامی، امری ضروری است.

اما در پیش فرض های تحقق حکمرانی اسلامی مشخص شد که ولایت اسلامی حکومتی مبتنی بر قانون است، آن هم فقط قانون الهی که برای اجرای احکام و بسط عدالت در سراسر جهان مقرر شده است. پس زمامدار این حکومت ناگزیر باید دو صفت مهم را که اساس ولایت الهی است دارا باشد؛ و ممکن نیست یک حکومت مبتنی بر قانون تحقق یابد، مگر آنکه رهبر و زمامدار آن واجد این دو صفت باشد: ۱- علم به قانون؛ ۲- عدالت (Nosratpanah & Bakhshi, 2018: 196). امام خمینی رحمته الله علیه نیز در کتاب حکومت اسلامی (ولایت فقیه) به طور مفصل درباره حکمرانی متعالی صحبت می نماید. ایشان در خصوص شرایط زمامدار می نویسد: «شرایطی که برای زمامدار ضروری است، مستقیماً ناشی از طبیعت طرز حکومت اسلامی است. پس از شرایط عامه، مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از: علم به قانون و عدالت» (Imam Khomeini, 2018: 46). در واقع، نظریه حکمرانی اسلام نمی خواهد مردم ایده آل یا هیچ را انتخاب کنند، بلکه درجات متوسط را هم پیش روی مسلمانان مبسوط گذاشته است. براساس نظریه حکمرانی اسلامی، ایده آل این است که ولایت معصوم وجود داشته و نیز حکومت واحد جهانی محقق شود، و در ضمن آن مرزهای جغرافیایی هم دخالتی نداشته باشند. ولی اکنون که نمی توان تمام جهان را با حضور ولی معصوم اداره کرد باید در سطح نازل تری اصل ولایت را محقق ساخته و حتی ویژگی های مکانی و منطقه ای را هم مدنظر قرار داد. با پذیرش این نگاه، ولایت فقیه می تواند طرح شده و حتی پیاده شدن آن حسب قانون اساسی و سایر مقررات مشخص و در چهارچوب مرزهای جغرافیایی خاص (مانند ایران) در عین داشتن روابط با سایر کشورها مطابق با عرف بین الملل و ... نیز توجیه می شود (Mesbah Yazdi, 2000: 21-23). بنابراین، کیفیت اعمال امامت، ولایت و حکمرانی که شاخه ای از این مفهوم متعالی است باید در چهارچوب اهداف حاکمیت اسلامی و قرآنی تبیین شود (Mofateh & et. al, 2015: 155). به طور کلی، حکمرانی متعالی را می توانی شیوه ای از حکمرانی معرفی نمود که در چهارچوب قوانین و اهداف دین اسلام و آموزه های آن یعنی قرآن و کلام عترت، تقنین و اجرا گردد و در نهایت منجر به هدایت و سعادت مردم جامعه در دنیا و آخرت شود.

حکمرانی متعالی، داستان تعهد آگاهانه، جدی، مستمر و مستقل جامعه به تحقق عدالت اجتماعی است؛ بنابراین علاوه بر ویژگی های حکمرانی خوب، نظیر حاکمیت قانون، بهبود کیفیت، بهره مندی از سیستم قضایی مستقل، تفکیک قوای متعادل، تلاش برای نیل به اجماع در جامعه، تمرکززدایی و مبارزه با فساد و رفتارهای خودسرانه،

رعایت منافع ملی در عقد قراردادها، شایسته‌سالاری اداری، کاهش هزینه و توجه به بازده عملکرد (Poor ezzat, 2012: 270). نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، دلیل عقلی بر اینکه چرا خداوند بزرگ به‌عنوان صاحب حق فرمانروایی، حق خویش را به انسان کامل در هر عصر تفویض کرده، آن است که انسان‌های کامل در پرتو تقوا و تقرّب به خدای متعال به منبع علم ربانی متصل شدند و از این راه بر دانش شیوه هدایت مردم دست یافتند و توانایی اداره جامعه را از حضرت قادر متعال کسب کردند. بنابراین، حکومت پیشوای معصوم ﷺ تجلّی حکومت خدا بر مردم بوده و بهترین شیوه حکومت است. در این نوع حکومت، انسان‌ها از راه پیروی و اطاعت از انسان کامل، اطاعت از خدا را تجربه می‌کنند و در پرتو اجرای صحیح احکام دین اسلام به رستگاری می‌رسند؛ زیرا احکام و معارف دین اسلام که خدای متعال وضع کرده است، بهترین برنامه زندگی بشر آخرالزمانی برای رسیدن به سعادت است (Talebi, 2015: 90). به همین دلیل است که خداوند متعال در آیات متعددی در قرآن کریم حق ولایت، فرمانروایی و حکمرانی الهی بعد از خود را به رسول و فرستاده خود و و اولی الامر بعد از وی واگذار فرموده است. برخی از این آیات عبارتند از: «و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» (Maedeh/92). «اطیعوا الله و الرسول» (AlEmran/32, 132). «اطیعوا الله رسوله» (Anfal/1, 20). سیره نبی اکرم ﷺ در دوران ده ساله حاکمیت اسلام در مدینه، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های حکومت در طول تاریخ بشری است. دوران بیست و سه ساله رسالت پیغمبر، دوران شالوده‌ریزی نظام اسلامی و ساختن یک الگو نمونه از حاکمیت اسلام برای همه زمان‌ها و دوران‌های تاریخ انسان و همه مکان‌هاست. البته این الگو، یک الگوی کامل است و مثل آن را دیگر در هیچ دورانی سراغ نداریم؛ لیکن با نگاه به این الگوی کامل، می‌شود شاخص را شناخت. این شاخص‌ها برای افراد بشر و مسلمان‌ها علامت‌هایی است که باید به‌وسیله آنها نسبت به نظام‌ها و انسان‌ها قضاوت کنند. این جز با ایجاد یک نظام نمونه و الگو امکان‌پذیر نبود؛ لذا پیغمبر به مدینه آمد تا این نظام نمونه را به وجود آورد. پیغمبر نمونه را می‌سازد و به همه بشریت و تاریخ ارائه می‌کند (Imam Khamenei, 2015: 35-36). همچنین امام خمینی ﷺ به دو سری از شاخص‌ها و ویژگی‌ها عنایت دارند که یک سری از آنها را که می‌توان ارکان و بنیادهای اساسی «یک حکمرانی خوب» یا شرط لازم آن تلقی کرد، عبارتند از: عدالت، مردمی بودن، ابتناء بر آراء عمومی و اسلامی بودن یا ابتناء بر ضوابط و قوانین اسلام؛ دسته دیگر از شاخص‌ها نسبت به دسته اول دارای اهمیت ثانوی هستند و لذا شاید بتوان آنها را شرط کمال حکمرانی دانست نظیر: علم و آگاهی، اجتهادی بودن، تقوا و ورع، حُسن تدبیر و مدیریت، انتقادپذیری، خدمت‌گزاری، امانت‌داری، ثبات سیاسی، قانون‌مداری. همچنین رهبر انقلاب در دیدار با دولت جمهوری اسلامی ایران در ششم شهریور سال ۱۳۸۵، شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی را این چنین تبیین و اعلام می‌نماید: عدالت‌خواهی، فسادستیزی مسئولان، مردمی بودن، اجتناب از اسراف، خردگرایی، وسعت‌نظر، اجتناب از منافع شخصی، شجاعت و قاطعیت، تلاش بی‌وقفه برای پیشرفت، شایسته‌سالاری، نظارت، قانون‌گرایی، حفظ سرمایه‌های ملی، مهندسی فرهنگی، مشارکت

دادن مردم در تصمیم‌گیری (Nazemi Ardakani, 2012: 68). در جامعه پویا و برخوردار از رفاه نسبی، با ایجاد امنیت و تقویت اعتماد عمومی، امکان مشارکت را برای همه آحاد جامعه فراهم می‌سازند. حکمران مسلمان رعایت حقوق عامه مردم و بیت‌المال را محترم انگاشته، به توسعه و آبادانی جامعه تحت مدیریت خویش همت می‌گمارد. در وصول مالیات‌ها برحسب دوره‌های رکود و رونق تصمیم‌گیری می‌کند، مالیات را به قدر نیاز حال در جهت اداره نیکوی امور به مصرف می‌رساند. به تأمین امنیت اموال عامه و تولیدکنندگان و تجار، توجه ویژه‌ای داشته، از سوءاستفاده خواص و نزدیکان و گروه‌های ذی‌نفوذ ممانعت به عمل می‌آورد (Kiani, 2012: 104).

حکمرانی متعالی باید چهار ویژگی ضروری و مهم: استقلال، آگاهی، جدیت و استمرار در انتخاب را برای آحاد جامعه مهیا سازد (Poor ezzat, 2012: 287-288). بدین ترتیب، در اثر توسعه حکمرانی متعالی، جامعه‌ای متعالی شکل می‌گیرد؛ جامعه‌ای آگاه، جدی، مستقل و مراقب. این مهم مستلزم جهاد در همه ارکان و احوال زندگی است. جهادی که حتی در حفظ شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز متجلی می‌شود (Poor ezzat & et. al, 2015: 53).

آثار مثبت مشارکت نهادینه مردم در اداره جامعه عبارت است از: انتقال حاکمیت و حس مسئولیت‌پذیری و دخالت در سرنوشت جامعه به قاعده اجتماع و توده مردم، کاهش مسئولیت و تصدی‌های متمرکز و ناتوان‌کننده دولت، تسریع فرآیند اداری تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، تعمیم و اجتماعی کردن قدرت و سیاست، تجهیز قدرت به اعتماد و اتکای مردم، افزایش ظرفیت و چالاکی نظام، بها دادن به تفاوت‌ها و جهت دادن به تکثرات و ویژگی‌های قومی و جغرافیایی، فرصت‌سازی و تولید به جای شبکه‌سازی و توزیع، همگرایی و هم‌افزایی تعاملات دولت-ملت، کسب رضایت عمومی، تأمین اقتدار و امنیت ملی، عمران و آمایش متوازن کشور، رقابت و پویایی داخلی و غیره که همه تحت عنوان آثار ساماندهی فضایی مناسب قدرت، یا نظام توزیع فضایی مناسب قدرت در چارچوب جغرافیای سیاسی قابل بحث و بررسی است (Ghalibaf, 2012: 19). بنابراین بر اساس روش تحلیل محتوا و فراترکیب مؤلفه‌ها و عناصر حکمرانی متعالی از منظر اندیشمندان مسلمان عبارتند از: ایمان، معنویت، تقوا و اخلاق‌محوری؛ بصیرت دینی، آگاهی سیاسی، علم و فناوری و پژوهش؛ حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه؛ مردم‌سالاری دینی و نظارت مردمی و نهادی؛ مشارکت مردم، مشورت‌پذیری و تصمیم‌گیری منطقی با اتکال به خداوند؛ شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگوئی؛ امانت‌داری، وفای به عهد و مبارزه با فساد؛ انصاف، عدالت‌محوری فضایی، قومی، نژادی و مذهبی؛ تأمین استقلال، آزادی، امنیت و استکبارستیزی همراه با عزت ملی؛ تعاون، همکاری، تأمین رفاه عمومی با خدمت‌رسانی به آحاد مردم جامعه؛ که البته آنها را می‌توان از سرفصل‌های اساسی حکمرانی متعالی معرفی کرد و از هر عنوانی جزئیاتی بیشتر استخراج نمود. (شکل ۴)



شکل ۴. مؤلفه‌ها و عناصر حکمرانی متعالی براساس مبانی نظری دین اسلام؛ منبع: نگارندگان

مقیاس‌های کسب اقتدار ملی

اقتدار در سطوح مختلف فردی و گروهی قابل طرح می‌باشد. ولی اقتدار ملی، جنبه خاص دارد. اقتدار ملی بر مجموع توانمندی‌های یک ملت در سطوح مختلف رهبری، کارگزاران، توده مردم و نهادهای مربوط ناظر می‌باشد. اقتدار ملی از جنس قدرت سیاسی است، اما اقتدار از قدرت به معنای عام آن تغذیه می‌کند (Eftekhari, 2001: 27). مؤلفه‌های مشروعیت، مقبولیت، کارآمدی و پاسخگویی، در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی، بازتاب می‌یابند و دو بُعد داخلی و خارجی اقتدار ملی را تشکیل می‌دهند. هر کدام از پارامترهایی که درجه اقتدار ملی را تعیین می‌کند، به‌طور مستقیم با شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و انسانی محک می‌خورد. در واقع مشروعیت، مقبولیت، کارآمدی و پاسخگویی دولت مقتدر، براساس عملکرد آن در حیطه‌های سه‌گانه، نمره قبولی یا مردودی کسب می‌کند. فقدان یا افت هر یک از مؤلفه‌های مذکور، اقتدار ملی را زیر سؤال می‌برد. ممکن است دولتی مشروعیت داشته باشد، اما مقبولیت نداشته باشد یا برعکس؛ گاهی ممکن است دولتی از هر دو رکن اقتدار برخوردار باشد، ولی کارآمد نباشد (Akhavan Kazemi, 2007: 68). از این‌رو، قدرت مؤثر و مشروع، قدرتی است که از طریق مشارکت و منازعه نهادها و نیروهای متنوع در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی به‌دست آید (Yazdani-Zazarani, 2012: 111). پیشرفت و تعالی کشورها در چهره‌های بیرونی و درونی حاکی از حکمرانی دولتمردان در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی است که تداعی‌کننده اقتدار ملی

کشورهاست. این اقتدار از تعامل مؤلفه‌های گوناگون به دست می‌آید؛ یعنی مقوله‌ای انتزاعی است، عینی نیست و وجودش از ترکیب و تعامل چند عنصر حاصل می‌شود. برخی جنس آن را از نوع توانایی می‌شناسند و آن را به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور وجود دارد، تعریف می‌کنند. بنابراین، می‌توان دو سطح داخلی و خارجی اقتدار ملی را از یکدیگر تفکیک نمود و به دنبال آن از دو چهره داخلی و بیرونی دولت مقتدر سخن به میان آورد:

۱- چهره داخلی Internal Face

حوزه روابط دولت با شهروندان و نهادهای مدنی به طور مشخص در حیطه چهره داخلی اقتدار ملی قرار دارد. بر این اساس هر چه دولت بتواند در خود به عنوان کارگزار اصلی در اداره امور جامعه سامان و انتظام بیشتری را محقق ساخته و در نتیجه موفق به تنظیم روابط مشخص و تعریف شده‌ای با شهروندان و نهادهای مدنی گردد، چهره مقتدرتری از خود به نمایش گذاشته است (Eftekhari, 2001: 114). در چهره داخلی حکمرانی و اقتدار ملی، مقیاس‌های فراملی نظیر: ناحیه‌ای، محلی و سکونتگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲- چهره بیرونی External Face

این چهره از اقتدار در نوع رابطه یک واحد ملی با سایر دول ملی، سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، متجلی می‌گردد و به طور مشخص سیاست خارجی آن کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد. لذا اگر چه رویکرد انتخاب شده از سوی یک بازیگر ممکن است با رویکرد انتخاب شده در وجه درونی یکسان باشد، اما تفاوت بازیگران و منطق بازی، ما را به وجه دیگری از دولت مقتدر رهنمون می‌شود که در آن روابط بین‌المللی و نه داخلی مدنظر می‌باشد (Eftekhari, 2001: 114). در چهره بیرونی حکمرانی و اقتدار ملی، مقیاس‌های فراملی نظیر: مقیاس‌های جهانی، تمدنی، بین‌المللی، منطقه‌ای بررسی می‌شود.

در مجموع مقیاس‌های فراملی و فروملی، در نهایت مقیاس ملی است که ظهور و بروز حکمرانی و اقتدار ملی را در خود نمایان می‌سازد. (شکل ۵)



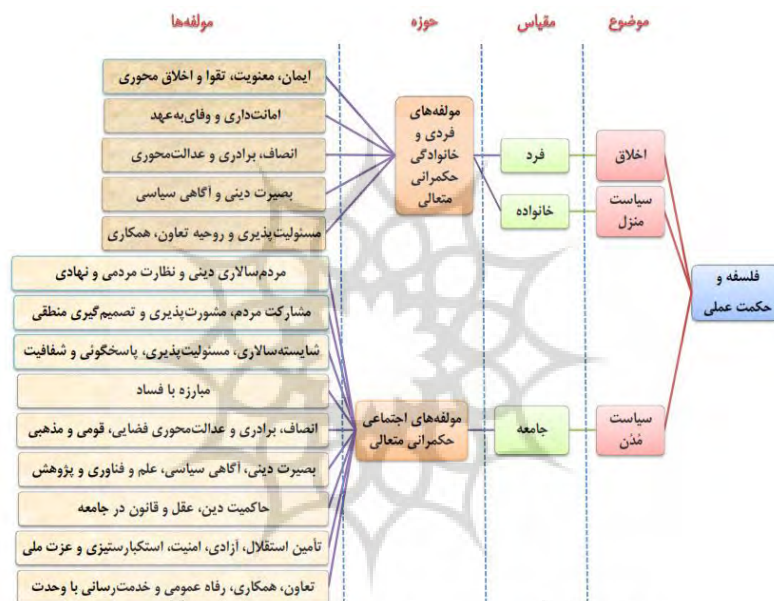
شکل ۵. مقیاس‌های اقتدار ملی؛ منبع: نگارندگان

حکمرانی متعالی؛ بخشی از حکمت عملی اسلام

جامعه مطلوب از نظر امام خمینی رحمته الله علیه، جامعه‌ای است که رو به سوی خدا داشته و با اجرای قوانین و احکام الهی، راه سعادت را بی‌ماید. مردم و حکومت ضمن بهره‌گیری از عقل و اختیار، باید با پذیرش اصل توحید و اطاعت از قوانین الهی، قرآن، رسول‌الله صلی الله علیه و آله و جانشینان وی و وفقهای جامع شرایط، از سقوط و انحطاط دور مانده و راه کمال و پیشرفت را در پیش بگیرند؛ چون انسان دارای نقص هست و در نتیجه، حکومت برآمده از انسان‌ها نیز بدون توجه به قانون الهی، ناقص است و ناقص نمی‌تواند جامعه را به سرمنزل مقصود و به سعادت رهنمون کند؛ بنابراین هم مردم و هم حکومت و نظام حاکم در یک جامعه مطلوب باید بر محور جهان‌بینی الهی و توحید و امامت حرکت نمایند و با گردن نهادن به اوامر الهی، صراط مستقیم را پیموده و به سعادت و کمال برسند (Akbari Moallem, 2017: 71). در جامعه مطلوب از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، هم مردم و هم حکومت، حقوقی بر گردن یکدیگر دارند. مردم در فعلیت ولایت فقهای جامع شرایط در عصر غیبت، برای اجرای قوانین الهی و مقبولیت نظام اسلامی نقش اساسی دارند. در واقع حکومت اسلامی مقید به رضایت مردم و خداست؛ یعنی حقانیت و شرعیت خود را از شرع می‌گیرد و تحقق خارجی و کارآمدی خود را از بیعت مردم و خدمت برای آنان و جلب رضایت آنان می‌گیرد (Lakzaei, 2015: 160). بدون رضایت و خواست مردم، حکومت اسلامی تأسیس نمی‌شود و بدون اطاعت مردم از حکومت، حکومت استمرار نمی‌یابد (Akbari Moallem, 2017: 72). به عبارت دیگر، حکمرانی مطلوب که همان حکمرانی متعالی یا حکومت اسلامی معتقد به رضایت مردم در طول رضایت خداوند است؛ یعنی حقانیت، شرعیت و قوانین کلی و اساسی اداره جامعه را از شرع و دین اسلام می‌گیرد و تحقق خارجی و عینیت بخشی حکمرانی خود را در فضای جغرافیایی از بیعت مردم و کارآمدی خود در عرصه خدمت‌رسانی بدست خواهد آورد.

ابعاد حکمت عملی درباره تہذیب نفس، پرورش و تزکیه روح، رشد اخلاق، تدبیر منزل، کیفیت بهتر اداره کردن امور خانوادگی، کیفیت پرورش افراد و تربیت اولاد، اداره جامعه، سیاست کشورهای اسلامی و مناطقی که بشر در آن به سر می‌برد، بحث می‌کند (Javadi Amoli, 2004:105). حکومت اسلامی موظف است از بیت‌المال، هزینه‌های اداره دولت و خدمات عمومی و نیازهای دفاعی را تأمین نماید؛ هزینه‌هایی نظیر توسعه رفاهی عامه، کوچه و خیابان، پارک، تأمین روشنایی، آب‌رسانی، تأسیس مراکز آموزشی، فرهنگی، عبادی و بهداشتی. واضح است که پرداخت به موقع این هزینه‌ها، موجب بهبود آن دسته از خدمات اجتماعی می‌شود که انجام صحیح آنها در رفع نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه، تأثیر به‌سزایی دارد و با این هزینه‌ها، چهره روستا در جامعه اسلامی به فضایی مطلوب‌تر بدل می‌شود (Poor ezzat & et. al, 2015: 57). درباره تہذیب جهان و تدبیر منزل و اداره کشور به روال انسانی و اسلامی، راه اصیل و مهم و نیز دستورهای خاصی وجود دارد، حکمت عملی یک سلسله مسائلی است که کلیات این رشته را تشکیل می‌دهد که خواه در تدبیر منزل و خواه در اداره جامعه، نقش بنیادین

دارد (Javadi Amoli, 2004:36). در واقع از جلوه‌های بارز حکمرانی متعالی، رسیدگی به ضعیف‌ترین اقشار جامعه، تدبیر امور آینده، بهینه‌سازی شیوه مصرف درآمدهای عمومی، رعایت پیمان‌های عمومی و خصوصی، رعایت حریم بیت‌المال و انتقادپذیری برای اصلاح خود و کاربست انتقادات در استمرار یادگیری است (Poor & et. al, 2015: 57). به عبارت دیگر در حکمت عملی اسلام که سه موضوع اخلاق، تدبیر منزل، کیفیت بهتر اداره کردن امور جامعه مدنظر است، در سه مقیاس فرد، خانواده و جامعه و در دو حوزه فردی و اجتماعی قابل تعمیم می‌باشد. بنابراین مؤلفه‌هایی از حکمرانی متعالی که جنبه فردی و خانوادگی دارند، از اخلاق و تدبیر منزل منبعث می‌شوند و مؤلفه‌هایی که جنبه اجتماعی دارند، از حوزه سیاست مُدن و اداره امور عمومی نشأت می‌گیرد. (شکل ۶)



شکل ۶. موضوع‌ها و مقیاس‌های حکمت عملی در اسلام و مؤلفه‌های حکمرانی متعالی آن؛ منبع: نگارندگان

برآیند مشروعیت و کارآمدی حکمرانی در جهت کسب اقتدار ملی

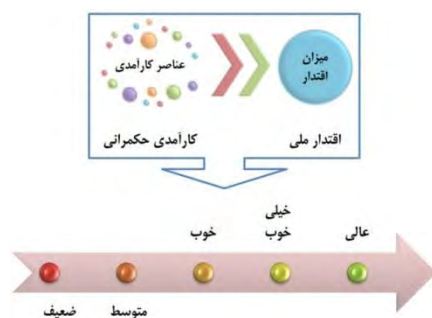
مشروعیت و کارآمدی دو شرط اصلی بقای هر حکومتی است و بین آنها تعامل و ارتباط دوجانبه و مستقیمی وجود دارد، به عبارت دیگر، هنگامی که «پایینی‌ها نخواهند و بالایی‌ها نتوانند» سقوط و سرنگونی حتمی است. کارایی، مترادف با بازده عملی سیستم است و منظور از آن نتیجه‌بخش بودن یک طرح، برنامه یا سیاست می‌باشد. نظام سیاسی هنگامی کارایی دارد که بتواند وظایفی را که بیشتر مردم از او متوقعند، انجام دهد و وظیفه اصلی یک آن، پشتیبانی همه‌جانبه از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، مادی و معنوی همه شهروندان به‌ویژه پاسداری از آسایش و امنیت تک‌تک آنان در اجتماع است. در واقع، پشتیبانی واقعی و عینی مشروعیت هر نظامی وابسته به کارایی آن است (Akhavan Kazemi, 2007: 59- 60). البته مسئله مشروعیت از مبانی مشروعیت تا کارآمدی

امتداد می‌یابد. بنابراین، کاهش مشروعیت گاه ناشی از کاهش توان توجیهی مبنای مشروعیت سیستم است و گاه به دلیل ناکارآمدی آن سیستم و ناکارآمدی یک دولت موجبات کاهش مشروعیت آن را فراهم می‌کند (Sternberger, 1999: 302). (شکل ۷)



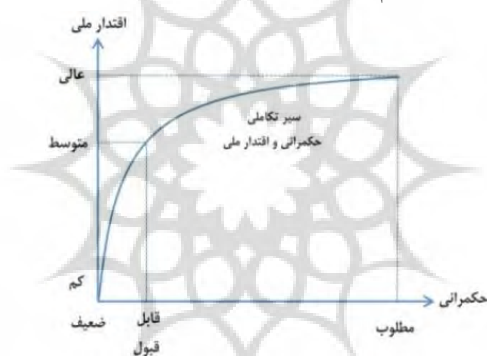
شکل ۷. برآیند مشروعیت و کارآمدی: مقبولیت و کسب اقتدار؛ منبع: نگارندگان

کارآمدی و کارایی یک نظام سیاسی با به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی‌ها شروع می‌شود و با سازماندهی منابع و امکانات، هدایت و کنترل می‌شود و در انتها با دستیابی به اهداف سازمانی پایان می‌یابد (Rezaian, 2016: 6). مشکلاتی که از ناحیه عملکرد نامناسب دولت حاصل آمده و به تعبیری غیرکارآمدی آن را می‌رساند در صورت استمرار و عدم رسیدگی به آن می‌تواند زمینه‌ساز بروز تهدیدات جدی شود که بنیان اقتدار ملی را با ایجاد گسست میان دولت و ملت، متزلزل می‌سازد (Eftekhari, 2001: 148). بر این اساس اگر کارآمدی نظام (اجتماعی، سیاسی و غیره) را به معنی «تطبیق با شرایط جدید و توانایی برای حل مشکلات که برای یک سیستم یا جامعه پیش می‌آید» (Andrews, 2008: 22)، تعریف کنیم در این صورت ما با انواع کارآمدی مواجه خواهیم شد که درجات شدت و ضعف متفاوتی را نیز دارا می‌باشد و به نسبت این شدت و ضعف است که رضایتمندی و نارضایتمندی شهروندان رُخ می‌دهد (Jalali, 2016: 114) و این رضایتمندی خود مجدد سبب می‌شود تا سطح اقتدار قانونی یک دولت افزایش یابد (Andrews, 2008: 30) و استمرار آن در بلندمدت می‌تواند میانگین مقبولیت یک نظام سیاسی را بهبود بخشد (Lipset, 1959: 77) و به‌طور قطع ناکارآمدی مستمر نیز موجبات مشروعیت‌زدایی را مهیا می‌سازد (Dalili, 2018: 64)، زیرا مشروعیت الهی حکمرانی با این فرض است که سنگ بنای حکومت منبعث از شرع و دین باشد و عملکرد حکمرانان نیز بر مبنای تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی مردم صورت پذیرد، حال اگر وجه دوم که ناظر بر کارآمدی و رضایت مردم از حکمرانی و بر پایه حل مشکلات و مسائل جدید در حوزه‌های مختلف حکمرانی است، تحقق نیابد و نارضایتی عمومی، عدم مقبولیت مردمی و بی‌ثباتی سیاسی در نظام حاکم نهادینه شود، تدریجاً وجه اول که مشروعیت الهی است به واسطه اینکه در جامعه عینیت واقعی نمی‌یابد، نیز تضعیف می‌گردد. (شکل ۸)



شکل ۸. کارکرد طیفی شدت و ضعف کارآمدی و اقتدار ملی در حکمرانی‌ها؛ منبع: نگارندگان

بنابراین، هر چه میزان کارایی، کارآمدی، اثربشی و رضایتمندی عمومی از عملکرد یک حکمرانی کاهش یابد، میزان و سطح اقتدار ملی آن حکومت نیز کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، هر چه این رضایتمندی و مقبولیت مردمی بیشتر شود میزان اقتدار ملی آن واحد جغرافیایی- سیاسی افزایش پیدا خواهد کرد. بر همین اساس بین شیوه حکمرانی و اقتدار ملی یک رابطه مستقیم برقرار است. (شکل ۹)



شکل ۹. رابطه مستقیم شیوه حکمرانی و اقتدار ملی؛ منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

از آنجایی که این تحقیق، به نوعی یک الگویابی برای شیوه حکومت‌داری است، بنابراین پژوهش از حیث نوع بنیادی است و بر همین اساس نتایج آن هر چند کاربردی است، اما به لحاظ پایه‌ای بودن مباحث، بیشتر معطوف به اصلاح ساختارها، انتخاب کارگزارها و نحوه عملکرد خدمت‌گزاران حکمرانی است. از سوی دیگر، در این تحقیق این نتیجه حاصل شد که مقبولیت و نصرت مردمی و مشروعیت الهی به عنوان دو بال پرواز، حکمرانی شایسته و مورد قبول هستند که باعث تقویت و ارتقاء اقتدار ملی کشورها می‌گردد. این حقیقت بر هیچ کسی پوشیده نیست که حاکمان اسلامی قدرت خود را تنها از راه قانون‌های اعتباری و قراردادهای اجتماعی نظیر انتخابات و مقبولیت مردمی کسب نکرده‌اند و در کنار این مقبولیت، مشروعیت الهی را نیز از شرع مقدس بدست آورده‌اند، علاوه بر قدرت و توانایی مدیریتی و حکمرانی، به لحاظ اخلاقی، وجدانی و شایستگی، مردم حق

ولایت، نفوذگذاری و واگذاری تمام امور فردی و اجتماعی خود را به دلیل آراستگی ولایت فقیه به فقاقت، عدالت و درایت و تدبیر امور به ولی و حاکم خود واگذار می‌کنند، که این مقبولیت و مشروعیت معنای واقعی اقتدار ملی است. به همین دلیل حکومت اسلامی باید انتقادات را تحمل و از آن استقبال کند. انتقادات از دولت و عملکردهای آن باعث رشد و بالندگی کارآمدی دولت خواهد بود. بنابراین، مقصود از نظام کارآمد، نظامی است که با تکیه بر بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی، توانمندی مدیریت و سامان‌دهی استعدادهای بالقوه جامعه در عرصه‌های گوناگون و فعلیت بخشیدن به آنها را داشته باشد. توانایی حل مشکل معیشت و امنیت جامعه؛ هدایت و جهت دادن جامعه به سوی کمال علمی و عملی، پیشرفت در عرصه‌های علمی، پژوهشی، صنعتی و تجاری، روابط ملی و فراملی و نوع تعامل کشور با دولت‌های جهانی و ملل دنیا بر خط عزت، مصلحت و حکمت براساس شریعت اسلام و آموزه‌های وحیانی و با تکیه بر آراء و مشارکت سیاسی جامعه و مقبولیت و محبوبیت مردمی عمل با محوریت اخلاق و معنویت اسلامی از اساسی‌ترین مصادیق حکمرانی متعالی است که منجر به اقتدار ملی کشورها می‌شود. بنابراین، اجرا و نهادینه‌سازی مؤلفه‌های حکمرانی متعالی در سطوح فردی، خانوادگی و مدنی حکمت عملی اسلام توسط حکمرانان، در مقیاس‌های مختلف واحدهای جغرافیایی- سیاسی نظیر مقیاس‌های فراملی (جهانی، تمدنی، بین‌المللی، منطقه‌ای) و فروملی (ناحیه‌ای، محلی و سکونتگاهی) می‌تواند اقتدار را در مقیاس ملی محقق سازد.

کتابنامه

- 1- Abbasi, Mahmoud and Arian Petoft, 2017, Citizenship rights; From Good Governance to Administrative Process, First Edition, Summer, Tehran: Legal Publications. [In Persian]
- 2- Abedi Dorcheh A, Mohsen, 2019, Explaining the components of the model of favorable Islamic-Iranian governance model of progress in the institutionalization of modern Islamic civilization, Proceedings of the Eighth Conference of the Iranian Islamic Model of Progress: The Model of Progress; Motivations, Challenges and Achievement Needs, 22 and 23 June, Tehran: University of Tehran, Center for the Iranian Islamic Model of Progress, pp. 115- 130. [In Persian]
- 3- Abedi, Dorcheh B, Mohsen, 2019, Modeling the University of Ethics in the Second Step of the Islamic Revolution Based on Scientific-Islamic Governance, Proceedings of the First National Conference of the Second Step of the Islamic Revolution; The mission of universities, February 23, 2019, Isfahan: University of Isfahan, Hazrat Amir al-Momenin University (PBUH), pp. 1-18. [In Persian]
- 4- Abolhassani, Elahe, 2012, Democratic Governance, Quarterly Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Volume 42, Number 1, Spring, pp. 1-19. [In Persian]
- 5- Akbari, Ghazanfar, 2007, Social Capital and Urban Governance, Geographical Research Quarterly, Twenty-second year, No. 1, 84, Spring. [In Persian]
- 6- Akbari Moallem, Ali, 2017, Characteristics of Imam Khomeini's Political Thought (in the Dimensions of Political Philosophy, Political Ethics and Political Jurisprudence), First Edition, Tehran: Islamic Azad University, Imam Khomeini Memorial Branch. [In Persian]

- 7- Akhavan Kazemi, Bahram, 2007, An Introduction to Efficiency in the Political System of Islam, Third Edition, Tehran: Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought. [In Persian]
- 8- Alam, Abdolrahman, 1998, History of Western Political Philosophy: The New Age and the Nineteenth Century, Tehran: Office of Political and International Studies. [In Persian]
- 9- Alam, Abdolrahman, 2010, Foundations of Political Science, 21st edition, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- 10- Ameli, Saeed Reza, 2018, The Model of Two-Space Governance, First Edition, Tehran: Amirkabir Publishing Institute. [In Persian]
- 11- Andrews, Matthew. 2008, Good Government Means Different Things in Different Countries, http://www.hks.harvard.edu/research/working_papers.
- 12- Astleithner, F. and Hamedinger, A. (2003). Urban Sustainability as a New Form of Governance, Journal of Innovation, Vol. 16, No. 1, pp. 51-75.
- 13- Babaei-Talatpeh, Mohammad Bagher, 2005, Fundamentals of Cultural Strategy from the Perspective of Imam Ali (PBUH), Tehran: Imam Hussein (PBUH) University. [In Persian]
- 14- Dahl, Robert, 1985, New Policy Analysis, First Edition, Translated by Hossein Mozaffarian, Tehran: Translator Publishing. [In Persian]
- 15- Dalili, Shahab, 2018, Social Justice and Efficiency of the Political System in the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Strategic Studies, Year 21, Number 4, Serial No. 82, Winter, pp. 61- 92. [In Persian]
- 16- Dekhoda, Ali Akbar, 1998, Dekhoda Dictionary, Volumes 1, 2 and 5, Tehran: Tehran University Publishing and Printing Institute. [In Persian]
- 17- Dekhoda, Ali Akbar, 2009, Dekhoda Dictionary, Tehran: Country Management and Planning Organization [In Persian]
- 18- Eftekhari, Asghar, 2004, Autopsy of National Authority, First Edition, Tehran: Imam Jafar Sadeq University Research Center(PBUH). [In Persian]
- 19- Eftekhari, Asghar, 2001, National Authority, Political Sociology of Power from Imam Khomeini's Perspective, First Edition, Tehran: Publications of the Political Ideological Organization of the Police Force. [In Persian]
- 20- Enayat, Hamid, 2005, Foundation of Political Philosophy in the West: From Heraclitus to Hobbes, Tehran: Winter. [In Persian]
- 21- Ghalibaf, Mohammad Bagher, 2012, Local Government or Spatial Distribution Strategy of Political Power in Iran, Sixth Edition, Tehran: Amirkabir Publishing Institute. [In Persian]
- 22- Gholipoor, Rahmatollah, 2005, Analysis of the Relationship between Good Governance Model and Administrative Corruption, Management Culture Quarterly, Third Year, No. 10, Autumn, pp. 103- 127. [In Persian]
- 23- Hadavand, Mehdi, 2005, Good Governance, Development and Human Rights, Constitutional Rights, No. 4, pp. 51- 86. [In Persian]
- 24- Haghshenas, Ali Mohammad et al., 2000, Hazara Contemporary Culture, Tehran: Contemporary Culture Publications. [In Persian]
- 25- Imam Khomeini (RA), Sayyid Ruhollah, 2018, Velayat-e-Faqih; Islamic Government (Narration of Imam Khomeini's Statements), 31st Edition, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. [In Persian]
- 26- Imam Khamenei, Seyyed Ali, 2015, A 250-year-old man, Statements of the Supreme Leader on the political-militant life of the Imams (PBUH), forty-eighth edition, June, Tehran: Jihadi Institute. [In Persian]
- 27- Jahantab, Mohammad, 2006, A Study of the Cultural Components of National Authority and the Role of the Armed Forces in It, Quarterly Journal of Disciplinary Knowledge, Eighth Year, No. 32, pp. 26- 42. [In Persian]

- 28- Jalali, Fatemeh, 2016, A Study of Factors Affecting the Political Efficiency of Governments in the West Asian Region, Quarterly Journal of Strategic Studies, No. 71, Summer, pp. 113- 139. [In Persian]
- 29- Javadi Amoli, Abdullah, 2004, Theoretical and Practical Wisdom in Nahj al-Balaghah, third edition, Tehran: Esra Publishing Center. [In Persian]
- 30- Javadi Amoli, Abdullah, 2014, author of the treatise of the state (Volume 1), Qom: Esra Publishing Center. [In Persian]
- 31- Johnson, I. ,1997, Redefining the Concept of Governance.
- 32- Kaier, Anehmateh, 2007, Governance (Key Concepts), translated by Ebrahim Golshan and Ali Adousi, Tehran: Management and Planning Training and Research Institute Publications.
- 33- Kamali, Yahya, 2017, Hyper-Combined Methodology and Its Application in Public Policy Making, Quarterly Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Volume 47, Number 3, Autumn, pp. 736-721. [In Persian]
- 34- Khorramshad, Mohammad Bagher and Reza Alipouri, 2015, Strategies for youth activation in order to promote the national authority of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Defense Strategy, Year 13, No. 49, Spring, pp. 179- 218. [In Persian]
- 35- Kiani, Paknoush, 2012, A Study of the Factors Affecting the Reduction of Corruption in Governmental Organizations, Master Thesis in Public Management, Tehran: Faculty of Management, Islamic Azad University of Central Tehran. [In Persian]
- 36- Komijani, Ali; Mohammad Rahim Eivazi; Majid Bozorgmehri and Ghadir Nezami-Poor, 2019, The Image of Good Governance in Future Research: From Imaging to Future Shaping, Two Iranian Future Research Quarterly, Fourth Year, No. 1, Spring and Summer, pp. 207- 235. [In Persian]
- 37- Lakzaei, Najaf, 2015, Imam Khomeini's political thought, first edition, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
- 38- Larijani, Ali and Gholamreza Gholami-Abrestan, No date, The Relationship between Authority and Legitimacy in the Political System of Islam, Quarterly Journal of Political Science and International Relations, pp. 65- 92. [In Persian]
- 39- Lipset, S. M. ,1959, Political Man, The Social Basis of Politics, New York, Doubleday.
- 40- Meehan, Elizabeth. ,2003, Form Government to Governance, Civic Participation and 'New Politics'; The Context of PotentialeOpportunitiesforthe BetterRepresentationuofl Women, Queen's University Belfast, School of Politics and International Studies, October.
- 41- MesbahYazdi, Mohammad Taghi, 2000, Questions and Answers (Volume 2), Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- 42- MesbahYazdi, Mohammad Taghi, 2001, Legal Theory of Islam, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- 43- MesbahYazdi, Mohammad Taghi, 2010, A brief look at the theory of Velayat-e-Faqih, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- 44- Mesbahimoghadam, Gholamreza, 2010, A step towards the development of the Iranian Islamic model of progress, the first meeting of strategic ideas of the Iranian Islamic model of progress, December, pp. 221- 225. [In Persian]
- 45- Midari, Ahmad and Jafar Kheirkahan, 2004, Good Governance, Development Foundation, Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly, Office of Economic Studies. [In Persian]
- 46- Mir Moezi, Seyed Hossein, 2010, The Iranian Islamic Model of Progress, the Product of the Islamization of the Humanities, The First Meeting of Strategic Thoughts of the Iranian Islamic Model of Progress, December, pp. 61- 75. [In Persian]
- 47- Moein, Mohammad, 2008, Moein Persian Culture (one volume), first edition, Tehran: Farhangnameh Publications [In Persian]

- 48- Mofateh, Mohammad Hadi; Gholam-Ali Ghasemi and Nasrin Kordnejad, 2015, Feasibility Study of Implementing the Theory of Good Governance in Islamic Societies with Emphasis on the Islamic Republic of Iran, Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Law, Second Year, Second Issue. [In Persian]
- 49- Mojtahedzadeh, Pirooz, 2013, Political Geography and Geographical Politics, Second Edition, Sixth Edition, Summer, Tehran: Samt. [In Persian]
- 50- Mokhtarianpoor, Majid. 2016, Process Model Design of Iranian Islamic Model of Progress, Two Quarterly Journal of Iranian Islamic Model of Progress, Fourth Year, No. 8, Autumn and Winter, pp. 10-30. [In Persian]
- 51- Motahari, Shahid Morteza, 2004, Generalities of Islamic Sciences, Volume I, Logic-Philosophy, 33rd Edition, Farvardin, Qom: Sadra Publications. [In Persian]
- 52- Motahari, Martyr Mortaza, 2017, Introduction to Islamic Government, First Edition, May, Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- 53- Movahedian, Milad and Asghar Eftekhari, 2019, Factors Affecting the Legitimacy of Velayat-e-Faqih Government from Imam Khomeini's Perspective, Islamic Revolution Research Quarterly, Year 8, No. 30, Autumn, pp. 209- 233. [In Persian]
- 54- Nazemi Ardakani, Mohammad, 2012, Good Governance with Islamic Approach, "Yas" Strategy Quarterly, No. 31, Autumn, pp. 64- 88. [In Persian]
- 55- Nosratpanah, Mohammad Sadegh and Massoud Bakhshi, 2018, The Universal Model of Islamic Governance in Imam Khomeini's Thought, Based on Credit Theory, First Edition, Tehran: Imam Sadegh (PBUH) University. [In Persian]
- 56- Pasandideh, Abbas, 2007, Unity and Theory of Authority in the Political Philosophy of Islam, Quarterly Journal of Islamic Government, No. 2, Year 12, No. 44, pp. 116- 139. [In Persian]
- 57- Poor ezzat, Ali Asghar, 2012, Linguistic justice, the turning point of the narrative of justice in Nahj al-Balaghah, Tehran: Nahj al-Balaghah Foundation Publications. [In Persian]
- 58- Poor ezzat, Ali Asghar, 2017, Fundamentals of Knowledge of Government and Government (Fundamentals of Public Management), Third Edition, Autumn, Tehran: Samt. [In Persian]
- 59- Poor ezzat, Ali Asghar; Paknoush Kiani and Zeinab Poor ezzat, 2015, Financial Management in Transcendent Governance from the Perspective of Nahj al-Balaghah, Al-Nahj Quarterly, No. 46, Autumn, pp. 51- 74. [In Persian]
- 60- Quentin, Anthony, 1992, Philosophy of Politics, translated by Morteza Asadi, Tehran: Al-Huda Publications.
- 61- Rezaian, Ali, 2016, Principles of Management, Tehran: Samt Publications. [In Persian]
- 62- Root, Dave. 2007, Christian Spirituality Maturity/ Spiritual Authority, in Evagelism Heading and Teaching Resources, Available at: <http://www.Lavyhands.com /Spiritualmaruritty. htm>
- 63- Sahraei, Alireza and Amin Mahmoudinia, 2018, The Model of Good Governance: A Framework for Analyzing the Political Economy of Hashemi Rafsanjani's Government (1997-1998), Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy, Volume 8, Number 28, Autumn, pp. 207- 228. [In Persian]
- 64- Sternberger, Dolph, 1999, Legitimacy, Selected Political-Security Articles, Translation: Research Institute for Strategic Studies, Tehran: Research Institute for Strategic Studies.
- 65- Students of the seventh year of national security studies, 2011, Presenting the theory of national authority in the Islamic Republic of Iran, Tehran: Higher National Defense University, Faculty of National Security (group studies). [In Persian]
- 66- Tabatabai, Allameh Seyed Mohammad Hossein, 2002, Principles of Philosophy and Method of Realism (1), Introduction and footnote by Morteza Motahhari, ninth edition, March, Tehran: Sadra Publications. [In Persian]

- 67- Tabatabai, Allameh Seyed Mohammad Hossein, 1985, Principles of Philosophy and Method of Realism (Volume 2), Introduction and footnote by Martyr Morteza Motahhari, Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- 68- Talebi, Mohammad Hossein, 2015, The Relationship between Sovereignty, Democracy and Religious Democracy, Islamic Government Quarterly, 20th Year, 2nd Issue, Summer, 76, pp. 75- 102. [In Persian]
- 69- The Holy Quran, 2004, Translated by Mahdi Elahi Ghomshei, Second Edition, Autumn, Khoshrou Publications, Qom. [In Persian]
- 70- Vakili, Saeed, 2013, Geometry of Designing the Islamic-Iranian Model of Defense Progress, Proceedings of the Second Conference on the Iranian-Islamic Model of Progress: Concepts, Foundations and Pillars of Progress, Tehran: Center for the Iranian Islamic Model of Progress, pp. -1125-1136. [In Persian]
- 71- Veisi, Hadi, 2013, An Introduction to Local Government, First Edition, Summer, Tehran: Samt. [In Persian]
- 72- World Bank. 1989, Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth (Development), A Long-term Perspective Study, November, Washington D.C.
- 73- Yazdani-Zazarani, Mohammad Reza, 2012, A Study of Conceptual Relationship and the Impact of Governance on Public Policy-Making, Quarterly Journal of International Relations Research, Volume 1, No. 4, Summer, pp. 109- 142. [In Persian]
- 74- Zahedi, Shamsalsadat and Habib Ebrahimpour, 2012, Governance based on sustainability (with emphasis on environmental protection), first edition, autumn, Tehran: Samt Publications. [In Persian]
- 75- Zahiri, Alireza, 2018, Introduction to the issue of efficiency in the Islamic Republic of Iran, first edition, winter, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture affiliated to the Office of Islamic Propaganda of Qom Seminary. [In Persian]
- 76- Zarei, Bahador, 2020, Local Government and Development of Iran, Tehran: Stous. [In Persian]
- 77- Ziaei, Mohammad Sadegh; Abbas Nargesian and Manijeh Kiamanfard, 2009, A Study of the Relationship between the Language of Authority and the Legitimacy of Governments: (Critical Discourse Analysis of Imam Khomeini's Speeches), Journal of Public Management, Volume 1, Number 3, Autumn and Winter, pp. 104-85. [In Persian]
- 78- Zimmer, L. (2006), Qualitative Meta-Synthesis: A Question of Dialoguing with Texts, Journal of Advanced Nursing, 53 (3): pp. 311-318.